جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۲۵۱ | پنج‌شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۰ | ۲۷ ذی‌القعده ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۰۹ | غروب آفتاب: ۲۰:۲۳ | اذان مغرب: ۲۰:۴۴ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۷ | اذان صبح فردا: ۰۴:۱۲ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۵۶ |

دیده‌بان | مصطفی محمدی

«شهید نوید» به چاپ چهارم رسید

کتاب «شهید نوید» دربرگیرنده زندگینامه شهید نوید صفری از شهدای مدافع حرم توسط انتشارات شهید کاظمی به چاپ چهارم رسید.

به گزارش «جوان» کتاب «شهید نوید» نوشته مرضیه اعتمادی دربرگیرنده زندگینامه شهید نوید صفری از شهدای مدافع حرم به تازگی توسط انتشارات شهید کاظمی به چاپ چهارم رسیده است. چاپ اول این کتاب فروردین امسال عرضه شد و سپس طی اردیبهشت‌ماه به چاپ‌های دوم و سوم رسید.

این کتاب مجموعه روایت‌هایی از زندگی شهید صفری را از زبان خانواده، دوستان و همسر شهید شامل می‌شود. این شهید ۱۶تیر سال ۱۳۶۵ در محله تهرانپارس تهران، متولد شد و در نهایت در صحرای بوکمال سوریه، همان‌طور که خودش خواسته بود، بی‌سر به شهادت رسید. چاپ چهارم این کتاب با ۲۰۸ صفحه و قیمت ۳۵هزار تومان عرضه شده است.

«سلطان تراژدی» بالیوود درگذشت

«دیلیپ کومار» از ستارگان سینمای پساستقلال هند که لقب سلطان تراژدی بالیوود را یدک می‌کشید، بر اثر بیماری تنفسی درگذشت.

به گزارش ایرنا به نقل از روزنامه گاردین، محمد یوسف خان، معروف به دیلیپ کومار که با بازی در فیلم‌های معروفی چون رام و شام و دِوداس شناخته می‌شد، روز گذشته پس از تحمل یک دوره طولانی بیماری تنفسی در ۹۸سالگی درگذشت. این بازیگر سرشناس بالیوودی هفته گذشته به دلیل تنگی نفس در بیمارستانی در دهلی بستری شده بود. کومار که لقب سلطان تراژدی بالیوود را داشت، برای چند نسل متمادی از چهره‌های محبوب سینمای هند بود و یکی از اولین بازیگران حرفه‌ای این صنعت در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی به شمار می‌رفت. دیلیپ کومار در سال ۱۹۲۲ میلادی یعنی دوران قبل از استقلال هند، در پیشاور که حالا بخشی از خاک پاکستان است و در یک خانواده ۱۴ نفره متولد شد. وی پس از آنکه به بمبئی نقل مکان کرد به طور کاملاً تصادفی وارد عرصه بازیگری شد تا از این راه کسب درآمد کند اما در سال ۱۹۴۷ میلادی فیلم‌های او و مهارت بازیگری‌اش توجه و تحسین منتقدان را به خود جلب کرد.

از جمله معروف‌ترین فیلم‌های پنج دهه فعالیت هنری این بازیگر نام‌آشنا می‌توان به دوداس، عصر جدید، رام و شام و مغول اعظم اشاره کرد که پس از هشت سال تولید سرانجام در سال ۱۹۶۰ اکران شد و تا به امروز یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ بالیوود باقی مانده است. فرهنگ پارسی در جای جای این فیلم به چشم می‌خورد، برای نمونه در بخشی از فیلم فالی از دیوان حافظ گرفته و به فارسی خوانده می‌شود.

راه‌اندازی تلویزیون خصوصی موسیقی شایعه است

نراقیان رئیس مرکز موسیقی صدا و سیما اعلام کرد که قرار نیست شبکه اختصاصی برای موسیقی چه در بستر سراسری و چه مجازی راه بیفتد.

به گزارش «جوان» به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی صداوسیما محمدمهدی نراقیان، رئیس مرکز موسیقی رسانه ملی خبر راه‌اندازی تلویزیون خصوصی موسیقی را دقیق ندانست و تصریح کرد: سازمان صداوسیما در حال حاضر سیاست و برنامه‌ای برای راه‌اندازی شبکه اختصاصی موسیقی، چه در بستر شبکه‌های سراسری و چه پلتفرم‌های مجازی ندارد و در آینده نیز چنین موضوعی در دستور کار نخواهد بود.

رئیس مرکز موسیقی رسانه ملی با رد برخی گفته‌ها و فضاسازی‌ها در این‌باره در فضای مجازی تأکید کرد: هر اتفاقی در این حوزه قرار باشد روی دهد، در چارچوب سیاست‌های کلان نظام، سازمان و رهنمودهای ریاست سازمان خواهد بود که بر همین سیاستگذاری کلان تأکید دارد.

وی با بیان اینکه اخبار، اطلاعات، برنامه‌ها و سیاست‌های رسانه ملی به صورت رسمی از سوی حوزه‌های مسئول و روابط عمومی سازمان و از طریق مجاری رسمی اعلام می‌شود، بر توجه به این امر در گمانه‌زنی‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها تأکید کرد.

انیمیشن

حکمت

امام صادق(ع):

سنگ‌های زیربنای اسلام سه چیز است: نماز، زکات و ولایت که هیچ یک از آنها بدون دیگری درست نمی‌شود.

(کافی جلد۲، ص ۱۸)

در گفت‌وگوی «جوان» با دکتر ثابت‌اقلیدی مطرح شد

«کرونا» تهدید و فرصتی برای گردشگری در دولت سیزدهم

محمدصادق عابدینی

یکی از حوزه‌های اشتغال‌زا، درآمدآفرین و ارزآور به کشور که در سال‌های اخیر از حاشیه به متن اقتصاد و فرهنگ وارد شده، صنعت گردشگری است. در سال‌های اخیر با تبدیل سازمان میراث فرهنگی به وزارتخانه و نمایش توان گردشگری برای ارزآوری به کشور، انتخاب سیاست‌های درست در این حوزه استراتژیک و برگزیدن یک وزیر توانمند اهمیت زیادی پیدا کرده است. دکتر محمد ثابت‌اقلیدی، کارشناس ارشد حوزه گردشگری و مدیر کل نظارت و ارزیابی خدمات گردشگری کشور در گفت‌وگو با «جوان» الزامات، سیاست‌ها و موانع پیش روی دولت سیزدهم در صنعت گردشگری را بررسی کرده است.

چرا گردشگری می‌تواند برای دولت سیزدهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد؟

یکی از موضوعات اصلی و اولویت‌دار دولت‌ها اقتصاد است. متأسفانه ما به دلیل تحریم‌های اقتصادی، مشکلات عدیده‌ای در بحث اقتصاد داریم. با توجه به اینکه دولت باید معیشت مردم را در اولویت قرار دهد، یکی از زمینه‌هایی که می‌تواند به عنوان پیشران اقتصادی، مشاغل را به حرکت درآورد و رونق دهد، صنعت گردشگری است، برای مثال در نظر بگیرید زمانی که صنعت ساختمان‌سازی رونق می‌گیرد، بسیاری از مشاغل از جمله مصالح، تأسیسات، الکترونیک و غیره رونق می‌گیرد. در صنعت گردشگری چنین زنجیره‌ای شکل می‌گیرد، مراکز گردشگری، مراکز اقامتی، حمل و نقل به صورت مستقیم و خرده‌فروشی، سوغات، صنایع دستی و امثالهم نیز به صورت غیرمستقیم رونق می‌گیرند. صنعت گردشگری قادر است از طریق تولید ثروت، بدنه اجتماعی را تقویت کند. بیشترین تولید ثروت در صنعت گردشگری در حوزه جوامع محلی است و از سوی دیگر با رونق گردشگری درآمد دولت از طریق اخذ مالیات بیشتر می‌شود.

حدود دو سال است که کرونا عملاً درآمد گردشگری به خصوص در ورود گردشگر خارجی را به صفر نزدیک کرده، چه زمان می‌توان از بحران کرونا در حوزه گردشگری خارج شد؟

می‌شود گفت یکی از کسب و کارهایی که از کرونا بیشترین میزان آسیب را دیده، مشاغل مرتبط با گردشگری است. تقریباً درآمد گردشگری به صفر نزدیک شده بود، البته در سال جاری تا امروز نزدیک ۴۰۰هزار نفر گردشگر وارد ایران شده‌اند که غالب آنها در حوزه گردشگری سلامت بوده‌اند، منتها اگر بخواهیم گردشگری به رونق برسد و شرایط عادی پیدا کند، باید برای واکسیناسیون آحاد جامعه اقدام کنیم. در کنار واکسیناسیون باید مدیریت تأسیسات گردشگری را اولویت بدهیم تا شرایط میزبانی از گردشگران خارجی نیز رخ دهد. به شخصه باورم این است با تولید واکسن‌های داخلی می‌توانیم واکسیناسیون داخلی را به زودی انجام دهیم و در ادامه بتوانیم مرزها را به روی گردشگران خارجی باز کنیم. قاعدتاً کشورهای دیگر نیز در حال واکسیناسیون هستند، به خصوص در بازار کشورهای اروپایی که در سال ۹۸، نزدیک ۳۰۰هزار نفر بوده است و چون واکسیناسیون را انجام داده‌اند ورودشان به ایران بلامانع خواهد بود. از سوی دیگر بیشترین میزان ورود گردشگر به ایران از سوی کشورهای اسلامی منطقه مانند عراق و جمهوری آذربایجان بوده است که از نظر فرهنگی و مذهبی به ما نزدیک هستند. باید برای رونق گردشگری روی ورود گردشگر از کشورهای مسلمان و همسایه برنامه‌ریزی بیشتری کنیم.

هم اکنون با موجی از سفر هموطنان به ارمنستان برای واکسیناسیون مواجهیم، آیا می‌توان در دولت آتی این مسیر را برعکس کرد و از کشورهای دیگر گردشگر برای واکسن کرونا به ایران بیاید؟

متأسفانه بحث سفرهای خارجی با انگیزه واکسیناسیون از مدت‌ها قبل اتفاق افتاده است و کشورهای زیادی از مدت‌ها قبل دست به کار شده و واکسیناسیون را ابزاری برای جلب گردشگر قرار داده‌اند. الان در مورد ارمنستان، علاوه بر اینکه هموطن ما برای واکسیناسیون به آنجا سفر می‌کند، در زمان سفر هزینه‌هایی که انجام می‌شود در تولید ناخالص ملی آن کشور اثرگذار است. ما اکنون خدمات خاصی در حوزه گردشگری سلامت ارائه می‌دهیم که شاید در دیگر کشورها به این سطح وجود نداشته باشد. امکانات ایران بسیار روزآمد است و اتفاقاً ما از کشورهای توسعه‌یافته برای بحث درمان و خدمات زیبایی در سال‌های اخیر گردشگر داشته‌ایم. قطعاً اگر لطف خدا شامل حال ما شود، با توان دانشمندان کشورمان، واکسیناسیون کرونا در ایران می‌تواند عامل جذب گردشگر خارجی نیز باشد.

بزرگ‌ترین مانع یا چالشی که دولت سیزدهم در حوزه گردشگری با آن مواجه است، چیست؟

اولین چالش و مانعی که در زمینه گردشگری داریم همین «کرونا» است. الان اغلب تأسیسات گردشگری در ایران یا در حالت رکود هستند یا تعطیل شده‌اند. یکی از مؤلفه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی توجه به گردشگری است، البته بعضی‌ها می‌گویند که مسئله «حجاب» یا رعایت مسائل اخلاقی در ایران مانع رونق ورود گردشگر خارجی است، این مسئله به نظرم صحت ندارد. گردشگرانی که به ایران می‌آیند بر اساس دانش و شناختی که از فرهنگ و تاریخ ایران دارند، مسافرت کرده‌اند و از لحاظ اخلاقی خود را با شرایط ایران همراه می‌کنند، از آن سو، همان طور که اشاره کردم بیشترین میزان گردشگر ورودی از کشورهای مسلمان منطقه است که از نظر اعتقادی اگر پایبندی آنها به مسائل دینی بیشتر از ما نباشد، کمتر هم نیست. بحث توسعه زیرساخت‌های گردشگری از دیگر مواردی است که دولت سیزدهم باید به آن اهتمام داشته باشد و از آن حمایت کند. در بحث زیرساخت‌ها به خصوص در بخش گردشگری داخلی ما از فقر زیرساخت‌های مناسب و امکانات ضروری رنج می‌بریم. همین اطراف تهران را ملاحظه کنید، مسیرهای گردشگری داخل استان فاقد امکانات لازم است. ما نیازمند ارتقای کیفیت گردشگری داخلی برای عموم مردم هستیم. نکته مهم دیگری که دولت آیت‌الله رئیسی باید در حوزه گردشگری به آن توجه کند، واگذاری تصدی‌گری در حوزه توریسم است که به کوچک‌سازی دولت نیز کمک می‌کند.

معمولاً دولت‌ها به حوزه میراث فرهنگی و گردشگری به چشم حیاط خلوت نگاه می‌کنند و حضور چهره‌های سیاسی در این حوزه پررنگ است، آیا وزیر سیاسی را برای این حوزه مناسب می‌بینید یا وزیر متخصص را؟

کاملاً نکته درستی است. در سنوات قبل به دلیل اینکه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان معاونت رئیس‌جمهوری اداره می‌شد، قاعدتاً دستخوش مسائل سیاسی می‌شود اما اکنون در قامت وزارتخانه، باید وزیر به مجلس معرفی شود و همین معرفی به شکلی موضوع حیاط خلوت را منتفی می‌کند اما در موضوع اینکه آیا شخص وزیر باید سیاسی باشد یا متخصص، به تجربه ثابت شده که مدیریت کلان در سطح وزارتخانه نیازمند افرادی است که از شاخصه‌های اصلی مدیریت و راهبری برخوردار باشند. در کنار آن نیز باید شاخصه‌هایی که دولت آیت‌الله رئیسی قرار است به عنوان دولت جوان و متعهد و ایثارگر آن‌را اجرایی کند دارا باشد.

نما | حسین کشتکار

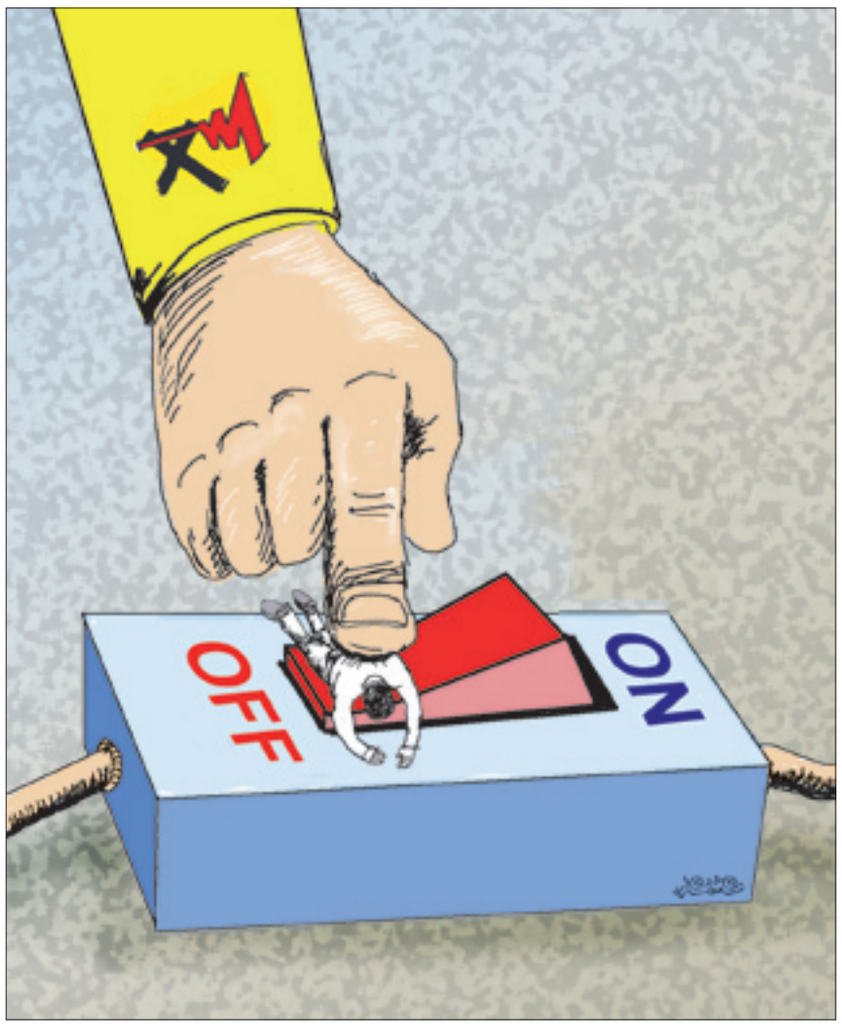

شبکه نمایش خانگی

روایت الکن و قصه عقیم در «می‌خواهم زنده بمانم»

افشین علیار

سریال‌های شبکه نمایش خانگی عمدتاً از ضعف بزرگی به نام فیلمنامه رنج می‌برند، به طوری که مختصاتِ دراماتیک اعم از گره‌افکنی و در ادامه گره‌گشایی در آنها به صورت استاندارد رخ نمی‌دهد. این ضعف بیشتر در گره‌گشایی خود را نشان می‌دهد، یعنی قصه شروع درستی دارد اما در ادامه کشش و قوت لازم برای پردازش دقیق‌تر وجود ندارد، به همین دلیل خط روایی نمی‌تواند در عرض حرکت کند. سریال «می‌خواهم زنده بمانم» هم بر همین اساس و قاعده معیوب در ۲۰ قسمت ساخته شده است. شهرام شاه‌حسینی، کارگردان شناخته شده تلویزیون در این سریال توانسته اجرای درست و به اندازه‌ای ارائه بدهد اما نکته اصلی دوباره‌سازی قصه‌ای است که در این سریال روایت می‌شود. ماجرای اصلی همان عشق مثلثی است که نمونه کاملش را در سریال «شهرزاد» دیده‌ایم. ازدواج اجباری برخلاف میل باطنی هما در این سریال بی‌شباهت به کاراکتر شهرزاد نیست، به همین دلیل کارگردان با تمهیدات خاص سعی بر کنترل کلیشه‌ای شدن قصه داشته و در کنار هما و نادر، قصه کاوه و شیوا هم به اصل قصه متصل شده است، اما دوئل نادر و امیر برای به دست آوردن هما به هر ترتیب کلیشه این سریال ایرانی است و حتی داستانک‌های کاوه و شیوا هم نمی‌تواند جلوی این کلیشه به وجود آمده را بگیرد چراکه اتفاقات پیش آمده برای کاوه و شیوا می‌توانست یک سریال مجزا باشد. در ادامه اگر می‌گوییم این سریال در طول حرکت کرده به دلیل بی‌هویت بودن تک‌تک آدم‌های سریال است. بزرگ آقا در شهرزاد در یک باند مافیایی درباری بود اما در این سریال تا قسمت آخر هم مشخص نمی‌شود امیر شایگان به کجا وصل است، البته فلاش‌بک‌ها هم چیزی را روشن نکرد، اضافه کنید که خانواده فقط در قسمت اول در آن جشن شکل می‌گیرد و پس از آن نه خبری از مادر هما می‌شود و نه می‌فهمیم که چرا همایون حقی با ازدواج دخترش با امیر موافقت می‌کند!

همانطور که حضور دشتی و کلنجار رفتن او با یحیی فرخی به جایی نمی‌رسد، انتظار می‌رفت دشتی به دلیل نوع کاراکتر از نظر قدرت تا انتهای سریال حضور داشته باشد اما حضور او با مرگ ناگهانی‌اش و پیدا شدن زیور که جز انجام یک مأموریت از جانب دشتی کارکردی برای سریال ندارد به پایان می‌رسد، اینکه چرا باید زهره با شرایط تیپیکال معرفی شود در هاله‌ای از ابهام می‌ماند؛ زنی که می‌خواهد قدرتمند جلوه کند اما نه عشقش و نه نفرتش معلوم است. او انگار از عهد قجر آمده و دیالوگ‌هایی که می‌گوید نه به زمان سریال مربوط می‌شود و نه به دهان بازیگرش می‌نشیند. از قسمت هفدهم به بعد این سریال دچار شتابزدگی می‌شود؛ نادر که یک نما هم او را در مدرسه در نقش یک معلم نمی‌بینیم، می‌تواند آدم بکشد و کاوه با بدیهی‌ترین دیالوگ‌ها می‌تواند زیردست‌های مفتاح را بخرد و او را بکشد. این تحول زودهنگام نمی‌توانست در قسمت دهم اتفاق بیفتد؟ نکته‌ای به عنوان عشق در این سریال یافت نمی‌شود یا حداقل بگوییم که پرداخت به عشق به شدت سطحی و امروزی است، این را از عشق در یک نگاهِ امیر شایگان نسبت به هما می‌شود درک کرد، البته که پایبندی نادر به عشق زن شوهردار هم در جامعه امروز مشهودتر از دهه ۶۰ است. در قسمت آخر همانند سایر سریال‌های شبکه خانگی شاهد همان حدس‌های همیشگی هستیم و اتفاق خاصی برای کاراکترها رخ نمی‌دهد. اینکه کارگردان با کدام کاراکتر می‌خواهد فصل دوم را بسازد مشخص نیست. در انتخاب بازیگران قطعاً حامد بهداد گزینه درستی بوده است، به همان اندازه علی شادمان برای نقش کاوه انتخاب غلطی بوده چراکه به دلیل جثه و صدایی که دارد، نمی‌تواند شخصیت کاوه را برای مخاطب باورپذیر کند. پدرام شریفی هم برای شخصیت نادر زحمتی نکشیده است چراکه بارها او را در چنین نقش‌هایی دیده‌ایم. سحر دولتشاهی به لحاظ سن پارتنر نامناسبی برای شریفی است. همین را می‌شود به انتخاب درگاهی و شادمان تعمیم داد، قطعاً انتخاب آزاده صمدی با بازی اگزجره‌اش از نکات منفی سریال است. از سایر بازیگران چندان بازی چشمگیری مشاهده نمی‌شود، با تمام ضعفی که این سریال در بخش فیلمنامه دارد اما کارگردانی نسبتاً خوبی از شاه‌حسینی شاهدیم، البته فیلمبرداری و تدوین هم به سریال یاری رسانده‌اند.

ادبیات

نویسنده و مدرس داستان‌نویسی کشورمان هشدار داد

شیوع ویروس خودنویسنده‌پنداری در فضای مجازی

سیدمرتضی ذاکر

گستره و عرصه بی‌حساب و کتاب فضای مجازی به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم دوران ما باعث شده است برخی افراد با انتشار یکسری مطالب احساسی و لایک شدن آنها توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی، به نوعی توهم خودنویسنده‌پنداری مبتلا شوند.

مهدی رضایی، نویسنده و مدرس داستان‌نویسی درباره مسئله خودنویسنده‌پنداری برخی افراد در فضای مجازی می‌گوید: افراد زیادی خودنویسنده‌پندار هستند و متأسفانه این افراد یکی از آفت‌های دنیای هنر امروز هستند. بیشتر این افراد سراغ نگارش موضوعات احساسی می‌روند. مردم هم بیشتر به این موضوعات تمایل دارند. از آنجا که مخاطبان این افراد در فضای مجازی آنها را لایک می‌کنند، صاحبان متن توهم برمی‌دارند که نویسنده هستند، در حالی که در نوشته‌هایشان اصلاً به مسائل نگارشی توجهی ندارند، حتی از نگارششان به بی‌سوادی آنها در زمینه دستورزبان پی می‌بریم. افراد خودنویسنده‌پندار می‌خواهند از یک جایی کار خود را آغاز کنند، به همین دلیل فضای مجازی را برای این امر انتخاب می‌کنند، چون فضایی بی‌در و پیکر است و تعدادی مخاطب بیکار هم در این فضا حضور دارند. وقتی این دو دسته باهم برخورد می‌کنند، شاهد بروز افراد خودنویسنده‌پندار می‌شویم. وی می‌افزاید: مخاطب عام به دنبال آثاری که در آن فکر و اندیشه وجود دارد، نمی‌رود. وقتی اکثر آنها با آثار مدرن مواجه می‌شوند، می‌گویند چیزی از محتوای کتاب نمی‌فهمند، چون آثار مدرن مانند آثار کلاسیک ساده نیست و باید اندیشه‌هایی در زیر لایه‌های داستان وجود داشته باشد. ذهن مخاطب امروز تاحدی خسته است که به دنبال معنا و مفهوم در داستان‌های مدرن نیست.

این مدرس داستان‌نویسی در ادامه اظهار می‌دارد: یکی از دلایلی که باعث شد مخاطبان امروز به سمت مطالعه آثار سطحی چه در زمینه داستان، چه فیلم بروند، این است که مردم ما بیشتر به مسائل معیشتی فکر می‌کنند. از آنجا که همیشه در هر مسئله‌ای به فرهنگسازی و نقد نیاز داریم و از ابتدای شیوع کرونا تاکنون فرهنگسازی نشده و شاهد برگزاری مراسم نقد آثار داستانی نبوده‌ایم با موضوع تمایل به ادبیات سطحی مواجه شده‌ایم.

وی اظهار کرد: فرهنگ امروز ما به فرهنگ کوچه بازاری تبدیل شده است. در شرایط کنونی بهترین نویسندگان و فیلمسازان ما به دلیل اینکه سرمایه اصلی‌شان برنمی‌گردد، اثر تولید نمی‌کنند و دست نگه داشته‌اند. در برابر آنها افراد سرخوش به این عرصه‌ها وارد می‌شوند و جای این دو گروه با یکدیگر عوض شده است. باید منتظر ماند، شاید دوباره فیلمسازان و نویسندگان واقعی جایگاه‌شان را پیدا کنند.

خبر

«صبح روز نهم» رونمایی شد

آیین رونمایی از کتاب «صبح روز نهم» که روایتی از دوره‌های مختلف زندگی شهید علیرضا نوری به قلم گلعلی بابایی است با حضور جمعی از فعالان رسانه‌ای و فرهنگی در ساختمان شهدای راه‌آهن برگزار گردید.

گلعلی بابایی نویسنده کتاب «صبح روز نهم» در آیین رونمایی از این اثر گفت: شهید علیرضا نوری اهل استان مازندران است که در تهران فرمانده شد. معمولاً این طور فرماندهان در تهران به دلیل غیربومی بودن کمتر معرفی می‌شوند. امیدوارم این کتاب در معرفی شهید نوری به جامعه موفق باشد. بابایی در مورد سیر نگارش این کتاب که توسط انتشارات ۲۷ بعثت منتشر شده است، افزود: احساسم این است که این کتاب به نوعی تاریخ شفاهی راه‌آهن جمهوری اسلامی است و حتی خیلی از نکات برای من تازگی داشت. بعضی از کارهایی که در راه‌آهن در زمان جنگ انجام شده است و من خودم به عنوان یک رزمنده شاید اینها را نمی‌دانستم اما با تحقیقاتی که به دستم رسید پی بردم که واقعاً بعضی از سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها چقدر نقش حیاتی داشتند اما این مسائل هیچ وقت برای ما بازگو نشده است.

بابایی ادامه داد: مورد دیگر کتاب این است که شاید خیلی از مردم فکر کنند کسانی که در جبهه بودند شاید ترک دنیا کرده بودند و عشق به شهادت داشتند اما در این کتاب و در مصاحبه با همسر ایشان ما متوجه شدیم ایشان چقدر عاشق همسر و زندگی‌اش بوده است اما لحظه‌ای از جنگیدن خسته نمی‌شود تا روز نهم بهمن ۱۳۶۵ در شلمچه با اذنی که از سردار کوثری می‌گیرد که آن هم قصه‌های خودش را دارد، توانست در خط مقدم حاضر شود. قصه شهادت ایشان نیز شنیدنی است و رساندن این خبر به همسرشان چیز عادی نیست، اینها به ما درس می‌دهد.

تهیه‌کننده و فعال هنر صنعت انیمیشن:

می‌توانیم مثل دیزنی باشیم

تهیه‌کننده انیمیشن موفق «بنیامین» معتقد است، پیشرفت انیمیشن ایران امری کاملاً مشهود است که حتی با ۱۰سال پیش هم قابل قیاس نیست و امروزه یک هنرمند با تمرین و پشتکار و البته به شرط دسترسی به اینترنت حتی در یک روستا هم می‌تواند همان کاری را که در دیزنی انجام می‌شود، انجام بدهد.

مصطفی مزرعتی‌حسن‌آبادی، تهیه‌کننده و فعال هنر صنعت انیمیشن درباره پیشرفت انیمیشن کشورمان و نیز درخشش تولیدات استانی در این حوزه به مهر می‌گوید: با توجه به استعدادهایی که در استان‌های مختلف وجود دارد و از سوی دیگر انیمیشن‌سازی محدودیت خاصی از نظر امکانات ندارد، می‌توان با یک سیستم و اینترنت، کار را پیش برد، نابرابری‌های موجود در دیگر مشاغل، در حوزه انیمیشن‌سازی خیلی کمرنگ‌تر است. یک هنرمند با تمرین و پشتکار، فقط با دسترسی به اینترنت می‌تواند همان کاری را که حتی در دیزنی انجام می‌شود در یک روستا انجام دهد. پیشرفت انیمیشن ایران در این حوزه کاملاً مشهود است و حتی قابل قیاس با ۱۰ سال پیش نیست. امید داریم نگاه مسئولان و متولیان این حوزه هم بیش از گذشته متوجه ظرفیت و استعدادهای استان‌ها و شهرستان‌ها شود. وی درباره انیمیشن «رؤیاشهر» که به تازگی پروانه ساخت دریافت کرده است، اظهار می‌دارد: «رؤیاشهر» عنوان پروژه جدید مؤسسه آینده‌نگار است که بعد از تولید انیمیشن «بنیامین» فیلمنامه این کار در شورای طرح و برنامه مؤسسه مورد تأیید قرار گرفت، سپس برای آن درخواست پروانه ساخت دادیم که اخیراً پروانه آن هم صادر شد.

این فعال حوزه انیمیشن در ادامه می‌افزاید: صفر تا صد این پروژه مانند انیمیشن «بنیامین» در کاشان و توسط هنرمندان بومی تولید خواهد شد. با توجه به تجربه‌ای که در این حوزه داشتیم، نگاه‌مان این است که این بار حضور جدی‌تری در زمینه عرضه بین‌المللی داشته باشیم. فیلم «بنیامین» هم در کشورهای عربی و برخی شبکه‌های بین‌المللی هم عرضه و فروش داشت و صحبت‌هایی برای اکران جهانی آن هم داشته‌ایم اما دیدمان این است که این بار چند گام فراتر برویم و در بازارهایی غیر از کشورهای عربی و همسایه هم حضور داشته باشیم. از این منظر سعی کرده‌ایم افرادی را به تیم اضافه کنیم تا نقاط ضعف «بنیامین» را برطرف نماییم. این کار هم با هدف مخاطب کودک و نوجوان ساخته خواهد شد و هم داستانی تاریخی دارد. مزرعتی‌حسن‌آبادی درباره هزینه تولید انیمیشن نیز می‌گوید: هزینه‌ها نسبت به قبل بسیار متفاوت شده است، به‌خصوص که تورم در همین چند سال بسیار بالا بود. نکته دیگر هم این است که بعد از اپیدمی کرونا، ارتباط بچه‌های تولیدکننده انیمیشن با فعالان خارج از کشور خیلی بیشتر شد و اتفاق خیلی مبارکی در این حوزه رخ داد.